

به نام خدا

## جنگ آینده از منظر چین

و

### بررسی امکان همکاری های راهبردی ایران و چین

چین به عنوان قدرتی صاحب انگیزه و رو به رشد در سطح جهانی، روز به روز اهمیت بیشتری در ارتباط با اقتصاد و امنیت جهان پیدا خواهد کرد. بر این اساس مناسب است که ابتدا نگاهی اجمالی به چین در بعد چشم اندازها، اهداف، استراتژی ها و سیاست ها و برنامه های این کشور داشته باشیم:

- **چشم انداز و رویای چینی ها** رفاه عمومی ملت چین و تبدیل شدن به قدرت اول اقتصادی جهان است و هدف پایه ای و محوری آنان تولید تمام نیازمندی های کشور در داخل و رفع نیاز دوستانشان در خارج از چین بوده و اینکه باید تراز تجاری آنان با همه کشورها مثبت باشد.
- در چهار چوب این چشم انداز، **هدف چین** تولید انبوه و همکاری با کلیه کشورها و حرکت صلح آمیز و تبدیل شدن به کارخانه بزرگ دنیا است .
- سیاست پایه ای چین و چهار چوبی که برای نیل به اهداف خود در نظر گرفته است، **عدم مداخله در امور دیگران** نامیده می شود.
- برنامه ای که چینی ها در این رابطه دارند این است که تا سال 2050 به **قدرت اول جهان** و ابر قدرت مسلط اقتصادی بین المللی تبدیل شوند.

### اصول سیاست خارجی چین در دوره اصلاحات

اصول سیاست خارجی چینی ها بعد از روی کارآمدن دنگ شیائوپینگ از سال

1979 عبارت است از:

الف- احترام متقابل و محترم شمردن تمامیت ارضی همه کشورها،

ب- اصل عدم تجاوز و عدم مداخله در امور دیگران،

ج- برابری و نفع متقابل،

د- همزیستی مسالمت آمیز با همه کشورها به ویژه همسایگان .

امروزه چین معتقد است که باید از سیاست های شتابزده و زود بازده اجتناب کرده و به سمت کشوری مرفه و سوسیالیستی حرکت نمایند. تمرکز بر منافع ملی و پرهیز از مواضع پر هزینه و برگزیدن سیاست های هدفمند و برنامه ریزی شده از دیگر خطوط قرمزی است که چین در سیاست خارجی خود دنبال می کند. بنابراین چین امروز برنامه های کشور چین را مبتنی بر ظهور صلح آمیز بین المللی قرار داده و به صورت تدریجی خواهان بروز و ظهور غیر تنش زا و تدریجی خود به عنوان یک ملت آرام است.

### **راهبردهای پایه ای چین**

راهبردهای پایه ای که چین برای ظهور نوین چین نو دنبال می کند این است که ابتدا تلاش دارد در رسیدن به اجماع حزبی در داخل کشور موفق عمل کند و سپس با مقاوم سازی امنیت ملی در تحولات جهانی نقش موثرتری پیدا کند. آنگاه با تقویت سطح حضور و بسط نفوذ در آسیا، به دنبال ایجاد یک هویت نوین آسیایی با محوریت چین می باشد . چین با ارائه طرح "یک جاده یک کمربند" به احیاء جاده ابریشم نوین از راه خشکی و دریا پرداخته و سرشاخه های خود را در آسیا و از جمله آسیای جنوب غربی توسعه خواهد داد. تقویت قدرت دفاعی و پیشگیری از نفوذ قدرت ها در دریای جنوبی چین و تلاش برای حفظ جایگاه صادراتی و همچنین رشد و ارتقاء قدرت نظامی و کیفی کردن آن به عنوان پشتوانه ظهور بین المللی صلح آمیز در دنیا از دیگر راهبردهای پایه ایی چین محسوب می شوند.

راهبرد دیگر چین در تقویت خیزش پاسفیک و آسیا برای رقابت با آتلانتیک از طریق جذب سرمایه به آسیا و توانمند سازی حضور نظامی خود در قالب نیروهای صلح در مناطق حساس جهان و ارتقا و رشد حضور خود در سازمان همکاری های شانگهای را می توان برشمرد.

چین اعتقاد دارد، با توجه به قدرت بلامنازع آمریکا در دریاها و عدم توانایی رقابت با غرب و ایالات متحده در دریا و تنگه ها، باید اتکاء تجارت و حمل و نقل را از سمت دریا به سوی خشکی متمایل سازد . از این رو برای تقویت صادرات و ترانزیت کالاهای خود از طریق زمین و راه های خشکی در آسیا تلاش می نماید . چین با سرمایه گذاری 46 میلیارد دلاری در بندر گوادر و با تکیه بر شاهراه و گذرگاه شمال - جنوب که در پاکستان با عنوان طرح "رشته های مروارید" در دست احداث دارد و این طرح که برای محاصره هند معروف می باشد، میان چین و پاکستان از سالها پیش توافق شده است. این بدان معناست که بخش عمده بندر گوادر پاکستان به عنوان منطقه آزاد در اختیار چین قرار گرفته است و بیش از 40 سال در اختیار آن کشور خواهد بود. چین سعی می کند از طریق پاکستان و افغانستان و راه خشکی به بازار اروپا دست یابد . این طرح راهبردی، طرحی است که در صورت عملیاتی شدن در رقابت با بندر چابهار ما دارای اهمیت بسیار خواهد بود.

از سوی دیگر، با روی کارآمدن شی جین پینگ، چین نوین تلاش دارد از یک چین درون گرا به یک چین تاثیر گذار تبدیل گردد. این مرحله گذار چینی ها مرحله تقویت آنان در آسیا و رهبری چین در آسیای نوین با هویت جدید خواهد بود.

از این رو با توجه به ساختار متمرکز حکومت چین و نقش بی بدیل حزب کمونیست در تصمیم گیری ها و خط مشی گذاری های اصلی و عمومی این کشور، شناخت اهداف و اولویت های این کشور و نگاه به آسیا و جهان از اهمیت بالایی برخوردار است.

چین امروز، به عنوان یک قدرت ژئو اکونومیک که 20 درصد جمعیت جهان را در اختیار دارد، نمی تواند نسبت به تحولات جهانی بی توجه باشد. برابر مصوبه کنگره نوزدهم در اکتبر 2017 سیاست امروز چین، حفظ ثبات سیاسی در داخل و خیزش مسالمت آمیز در سطح جهانی است. در این چارچوب بر اساس آخرین سند امنیت ملی چین، حضور آرام در دریاها و ساخت پایگاه نظامی در مسیرهای صدور کالا و تامین انرژی خود نظیر گوادر، جیبوتی، سودان، بنگلادش و سری لانکا اجتناب ناپذیر است. اگر چه چین راهبرد تکیه بر زمین را برای تامین انرژی خود ترجیح می دهد.

بر اساس سند امنیت ملی این کشور، **اولویت های نظامی و امنیتی چین** عبارتند از:

- . تداوم و تعمیق همکاری های نظامی با روسیه
  - . مدل جدیدی از همکاری نظامی با آمریکا. . .
  - . همکاری های نظامی با همسایگان چین، کشورهای اروپایی، کشورهای آمریکای لاتین
  - . حضور در افریقا
  - . همکاری با کشورهای عضو سازمان همکاری های شانگهای
- جالب آن است که افریقا به عنوان عرصه نفوذ و حضور برای چین مهم است و در نظر دارند تا 2030 تعداد 150 میلیون چینی در افریقا متمرکز شوند، این در حالی است که آنگولا امروزه بزرگترین تامین کننده نفت چین است.
- راهبردهای ترجیحی چین نشان می دهد که چین دست کم تا یک دهه دیگر، علاقه چندانی به درگیر شدن در کانون های بحرانی نظیر غرب آسیا را ندارد و فقط نگران گسترش ناتو به شرق و گشودن جبهه هند و پاسیفیک از هند تا استرالیا است.

چین بر اساس مصوبات کنگره نوزدهم اواخر 2017 بدنبال هژمونی و توسعه طلبی نخواهد بود، اما مشارکت فعالی در مدیریت اقتصاد جهان و رقابت با امریکا خواهد داشت .

چین با تعریف لایه های امنیتی به لایه جهانی و منطقه ای و داخلی، راهبردهای دفاعی خود را اینگونه تعریف می کند:

**. راهبرد دفاع فعال:** دفاع از حاکمیت و توسعه اقتصادی چین و همگامی با

رؤیای چینی و تطبیق پذیری نیروی نظامی با ژئوپولیتیک نوین بین المللی .

از **بعد لایه جهانی** در منظر چین:

- با وجود روندهای چندقطبی گرایی، جهانی شدن، صلح و همکاری، تهدیدات روزافزونی از ناحیه هژمونیک، سیاست قدرت و تروریسم شکل گرفته و جنگ های کم شدت در برخی مناطق گسترش یافته اند. بنابراین، فضا و سایبر، حوزه های جدید انقلاب در امور نظامی و حوزه های جدید رقابت راهبردی میان کشورها محسوب می شوند و جنگ های اطلاعاتی رو به گسترش، تأثیرات منفی گسترده ای بر امنیت چین می گذارند.

**در لایه منطقه ای:** چین می گوید، تغییرات عمیقی در صحنه ژئواستراتژیک

آسیا در حال وقوع است و رقابت های نظامی، سیاسی و اقتصادی در حال تشدید شدن است. از این جهت،

سیاست تجدید توازن آمریکا در آسیا و ژاپن تهدیدات جدی برای چین در شبه جزیره کره و تایوان ایجاد می کند.

**در لایه ملی،** سند منتشره در چین می گوید:

. جنبش ترکستان شرقی به عنوان مهم ترین تهدید تروریستی و انقلاب رنگی و تلاش برای ایجاد آن در چین، به عنوان منبع جدید تهدید قلمداد می شود.

## خطرات عمده آتی از نگاه چین

افزایش آسیب‌پذیری‌های منافع چین از جهت خطوط دریایی و نقل و انتقال کالا و انرژی و نیز تهدید اتباع چینی در خارج از کشور است و نیاز به راهبرد دفاعی دارد.

## راهبرد دفاع فعال

- . کسب آمادگی برای مواجهه نظامی و نبرد در دریاها.
- . کسب آمادگی برای کنترل بحران‌های بزرگ که واکنش‌های زنجیره‌ای در بر دارند.

## اصول راهبرد دفاع فعال

1. نیروی نظامی چین مطیع حزب خواهد بود.
2. نیروی نظامی چین در جهت تداوم هماهنگی میان اقدامات نظامی با اقدامات سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک حرکت می‌کند.
3. نیروی نظامی چین حفاظت از حقوق حاکمیتی و دریایی چین را در دستور کار قرار خواهد داد.
4. ضرورت به‌دست گرفتن ابتکارات راهبردی در نبردهای نظامی و ارتقای توان نظامی.
5. انعطاف‌پذیری و تحرک نیروی نظامی چین.
6. کسب آمادگی برای مواجهه موفقیت‌آمیز با پیچیده‌ترین و دشوارترین سناریوها.
7. همکاری‌های نظامی - امنیتی فعالانه با قدرت‌های بزرگ، همسایگان و سایر کشورهای در حال توسعه.

## سیاست های اصولی در دفاع هسته ای

چین به سیاست عدم استفاده اول از تسلیحات هسته‌ای و عدم استفاده از این تسلیحات علیه کشورهای که از این تسلیحات برخوردار نیستند، وفادار خواهد ماند.

### چین نوین در سال 2018

مواضع جدید چین برای 2018 به بعد بر تلاش این کشور برای رهبری نظم نوین جهانی متمرکز خواهد بود. شی جین پینگ رئیس جمهوری چین طی سخنانی بی سابقه در سمینار امنیتی مدرسه حزب کمونیست در پکن که در فوریه 2017 ایراد شد گفت :

"کشور چین بدنبال ایجاد یک نظم نوین جهانی و حراست از امنیت بین المللی است و ما باید رهبری نظم نوین جهانی را بدست بگیریم".  
این گویش چینی ها نشان می دهد که چین بدنبال یک استراتژی دو محوره است که بر "رهبری نظم نوین جهانی" و "حراست از امنیت بین المللی" استوار است.

آقای شی می گوید: "ما باید رهبری جامعه بین المللی برای ایجاد یک نظم نوین جهانی منطقی و عادلانه را بدست بگیریم و جامعه جهانی را برای حراست از امنیت بین المللی هدایت کنیم". او معتقد است که «افول جهان غرب» آغاز شده است و باید چین از کشوری آرام و منزوی، به سمت حضوری جدی تر و مدعی تر در سطح بین المللی حرکت نماید.

با توجه به آنچه گفته شد، چین در استراتژی جدید خود برای حضور جدی تر در سطح بین المللی و برای برقراری یک دیپلماسی پویاتر، نیازمند تشکیل یک بلوک و آفرینش يك هویت نوین آسیایی است. اگر بپذیریم که شکل‌گیری یک «هویت نوین آسیایی» اجتناب ناپذیر می نماید، ایران می‌تواند پیوند دهنده این رخداد بزرگ، میان بخش شرقی با بخش غربی آسیا باشد.

## راهکار های ممکن ایران برای همکاری با چین

در صورتی که سیاست ایران بر همکاری و رابطه راهبردی اقتصادی و امنیتی با چین قرار گیرد سه شرط اساسی وجود دارد:

- اول اینکه باید بین دو کشور منافع مشترک وجود داشته باشد.
- دوم اینکه در اهداف دفاعی و امنیتی نقطه اشتراک داشته باشیم.
- سوم، دو قدرت در برابر تهدیدات احتمالی داوری مشترکی داشته باشند.

با توجه به واقعیت های امروز و نگاه دو طرف به جنگ های آینده، به نظر می رسد **مقابله با تک صدایی و چند جانبه گرایی** و همکاری در قالب سازمان همکاری های شانگهای که چین و روسیه و کشورهای آسیای میانه عضو هستند و ما نیز به عنوان عضو ناظر هستیم، به عنوان منافع مشترک تعریف شود. سپس روی اهداف مشترک بین جمهوری اسلامی و چین که می تواند موضوع **مقابله با گسترش ناتو به شرق** تعریف گردد. گسترش ناتو به شرق جزء برنامه امریکایی ها و غربی ها تلقی می شود که مقابله مشترک با هنجارهای بین المللی و هژمون امریکایی در سطح آسیا و در دراز مدتی تواند به عنوان اهداف مشترک ایران و چین منظور شود .

از سوی دیگر، به نظر می رسد در زمینه داوری و تطابق دیدگاه ها و نظرات و قضاوت های همسان با چینی ها اشتراک کافی نداریم. به طور مثال، چینی ها هنوز در سیاست خارجی خود ایران را به عنوان اولویت خود تلقی نمی کنند . بارها و بارها مسئولین ما با چینی ها مذاکره داشته اند که دو کشور باید همکاری استراتژیک داشته باشند، اما چینی ها از این مسئله عبور کرده اند و ما را بواقع همکار استراتژیک خود نمی دانند.

پرسش پایه ای این است که جایگاه ایران در نگاه چینی ها کجاست؟ اصولاً اولویت سیاست خارجی چینی ها در جایگاه امنیتی و سیاسی و اقتصادی،



ابتدا کشورهای همسایه است. به طور مثال، پاکستان ارتباط نزدیکی با چین دارد و از همه لحاظ مورد حمایت چین است و حتی هسته ای شدن پاکستان به دلیل رقابتی که با هند دارد مدیون حمایت های چین است.

با چنین اولویت بندی از نظر چینی ها، ایران تنها بخشی از سیاست های نفتی این کشور در خاور میانه است. به طور مثال، هم اکنون که ارتباط نزدیکی با چین داریم، ما کشوری در رتبه سوم یا چهارم صادر کنندگان نفت به این کشور هستیم و مشکلات زیادی هم در انتقال پول و حساب های بانکی ایرانیاوبروز کرده است. با این توصیف ها اگر بخواهیم یک همکاری استراتژیکی و یک سازه امنیتی بین جمهوری اسلامی و چین و متحدان چینی بوجود آید؛ یا باید این سازه مبتنی بر اشتراک ایدئولوژیک باشد که در شرایط فعلی امکان پذیر نیست، یا باید تناسب نژادی و قومی و یا مذهبی باشد، که اینهم عملی نیست. تنها راهی که می ماند، **همکاری اقتصادی و شراکتی یا همان همکاری فنی و حرفه ای با چینی ها** است. پس باید چگونه با چینی ها همکاری اقتصادی و شراکتی داشته باشیم؟ در حالی که چینی ها تاکنون در ایران سرمایه گذاری نکرده اند، بلکه هرچه انجام شده است، به شکل فاینانس بوده است و اگر قرار باشد همکاری های اقتصادی توسعه یابد، باید از طریق گفت و گو، مذاکره و توافقات دو جانبه و چند جانبه و شراکت های منفعتی در سازمان همکاری های شانگهای و ساختار بندی در قالب جاده ابریشم نوین صورت گیرد.

در یک جمع بندی کلی می توان گفت، امکان دارد در موضوعاتی همچون **نفوذ و حضور آمریکا در منطقه**، مقابله و گسترش ناتو در شرق، موازنه قوا و **مقابله با افراط گرایی در سطح منطقه**، **مبارزه با تروریسم**، **تأمین امنیت تولید و عرضه انرژی** با تکیه بر نفت و گاز و **ایجاد توازن منطقه ای** و **پیشگیری از تعارضات و اختلافات ایدئولوژیک** همکاری نمود. بنابراین با توجه به شرایط همکاری با چینی ها، ضروری است در قالب دیپلماسی دفاعی، بر ضرورت تقویت شناخت بیشتر دو طرف و ایجاد همزبانی و ادبیات دفاعی و امنیت

مشترک تلاش نمود. شاید راه حل این باشد که دو شاخه همکاری استراتژیکی را در کار میان مدت با چینی ها در نظر بگیریم. برنامه هایی در قالب سازمان همکاری های شانگهای و طرح جاده ابریشم نوین می تواند زمینه ساز برخی همکاری ها باشد. البته این همکاری ها زمانی نتایج مناسب و قابل اتکاء ببار خواهند آورد که اولاً ما ثبات داخلی داشته باشیم، ثانياً بین ملت و دولت ما نظم و همپوئی و مشارکت برقرار باشد و ثالثاً امکان گفتگو و مذاکره با چینی ها و متحدین این کشور را داشته باشیم.

### **جمع بندی :**

به نظر می رسد با توجه به نیاز چین مبنی بر انتقال تکیه از آبراه ها به خشکی شرق تا غرب آسیا، بدلیل نگرانی هایی که از امریکایی ها دارند و طرح جاده جدید ابریشم و نیز تقویت سازمان همکاری های شانگهای، بتوانیم در قالب **یک سازه امنیت جمعی آسیایی متشکل از روسیه و چین و پاکستان و هند** به اضافه کشورهای آسیای میانه، به سمت "**هویت نوین آسیایی**" حرکت کنیم که این می تواند یک برنامه بلند مدت اقتصادی و امنیتی و دفاعی باشد.

امید است در چنین حالتی، امکان توافق و شراکت با چینی ها وجود داشته باشد و ایران ضمن همکاری با چین و کشورهای آسیائی، اساس نظم امنیتی و دفاعی خود را بر مدل مرکز - پیرامون و با اتکاء قطعی بر توان ملی قراردهد.

### **پایان**

فریدون وردی نژاد

Verdi\_ne@yahoo.com